



گفت و گوی طنز با عمران صلاحی

## حیطه دمتان را مشخص کنید!

می گویند پا روی دم ما نگذارید. آقا من هم می گویم حیطه دم خودتان را مشخص کنید ما تکلیفمان را بدانیم! گاهی اوقات دم بعضی ها که به هم گره خورده است و کار را مشکل تر می کند. بعضی مناطق مین گذاری شده اند اما این مناطق دم گذاری شده هستند!

● شما در طنز با خانم ها هم شوخی می کنید؟! خانم ها لنگه کفش هم دارند. اما الان چون بیشتر کتانی می پوشند خطرش کمتر است قدیم چون کفش پاشنه بلند می پوشیدند مشکل بیشتر بود!

● مردها اصولاً چرا زن می گیرند؟! بیکارند احتمالاً! قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. البته خانم ها هم همینطور بالاخره ما باید جرأت کنیم با خانم ها مراوده داشته باشیم! می دانید بعضی ها با هم قرار می گذارند یک عمر همدیگر را اذیت کنند مرخصند دیگر! ترک ها به این می گویند «اشک کیفی» فارس ها هم می گویند خر کیف!

● یک توضیح درباره مشت محکم و دهان یاوه گویان بفرمایید.

من این را واقعیت عرض می کنم. یکبار در برنامه ای مجری گفتم، ما باید دهان محکمی بر مشت امیرالایم بگوییم! منظور فقط کوبیدن است. یکبار هم خود من در یک میهمانی که یکی می خواند آمدم بگویم ناز نفست اشتباهها گفتم دهنتمو! اشتباه است دیگر.

● آخرین اسم مستعار شما چی بود؟ کمال تعجب!

● تصور کنید در یک روز بهاری رفته اید به گشت و گذار و خلاصه پاها در آب و ... مضحک ترین اتفاقی که ممکن است بیفتد چیست؟

این است که آدم سبز شود و شاخه و برگ بدهد و گنجشک ها بیایند رویش بنشینند و ...!

● این چه جور است که بعضی ها فوت می کنند، بعضی ها فوت می شوند؟!

این هم از آن سوال های طنز خیلی سخت است. باید ببینم وقتی نوبت خودمان شد ما کدامش را انجام می دهیم!

● در وضعیت فعلی ایران محمدعلی کلی خوش چهره است یا سوفیا لورن؟!

الان پا به سن گذاشته اند زیاد توفیر ندارند. باید دید معیار خوشگلی چیست. ما هم که جرأت نمی کنیم یکی را بگوییم چون هر کدام را بگوییم یک عده ای اعلام مخالفت می کنند.

بچه سطح بالایی می شود هم بلند نظر است هم کنجکاو خوب می شود. به کشف هایی هم خواهد رسید. این را به یک کاریکاتورست سفارش بدهید.

● طنزترین عضو بدن ما ایرانه چيست؟

بعضی وقت ها دماغ است. بعضی وقت ها کله. بعضی وقت ها دست و پاست آن هم وقتی است که کسی عصبانی می شود. در این زمان فرد به جای آنکه حرف بزند با دست و پا حرف می زند. این جور حرف زدن گاهی یک طوری می شود. یعنی دست یا پا حالت نمادین به خود می گیرد! البته در بعضی مواقع بی ادبی!

● این نوع نماد شناسی خاص چقدر برای مردم لازم است؟!

مثلاً سر یک چهارراه بعضی ها با بوق به هم فحش خواهر و مادر می دهند! این یکی یک بوق می زند یعنی ... آن یکی جوابش را با بوق می دهد که ...! همینطور مکالمات بوقی ادامه پیدا می کند.

● چرا بعضی فکر می کنند مردم بوقند؟

آنها که فکر می کنند مردم بوقند خودشان خیلی بیغند!

● این دسته کم هست یا زیاد؟

کمند اما زورشان زیاد است!

● این روزها، روزهای فوتبال است. در تیم طنز نویسان ایران کیومرث صابری باید کجا بازی کند؟

می تواند داور باشد! البته یک سری مشکلات شعاری در مقابل تماشاگران برایش پیش می آید!

● شما کجا می ایستید؟

من توپ جمع می کنم. چون درد سرش کمتر است.

● چرا بعضی ها به طنز نویسان به چشم همسر مادرشان (همان شوهر ننه!) نگاه می کنند؟!

اینها بهتر است به جای یقه طنز نویس، یقه خودشان را بگیرند. طنز یک آینه است. البته آینه طنز نویس گاهی مقعر و محدب می شود که آینه دق بعضی هاست! اگر طنز نویس این کارها را نکند که لطفی ندارد.

● شما تصور کنید در تاکسی نشسته اید، عجله هم دارید تاکسی هم مدام می آید لب خط پیاده رو که به زور مسافر سوار کند، شما بخواهید در این حس به راننده یک حرف طنز بگویید چه می گویند؟

خیلی سؤال طنز سختی است. [فکر می کند] توپ را می اندازم توی زمین خود شما بگو چه می گویی؟

● والله، سؤال سختیه، نمی دانم!

خب این به اون در!

● طنز چه کسانی را اذیت می کند؟

عمران صلاحی از طنز پردازان با سابقه، خوب، نمره یک، مرغوب و با کیفیت استاندارد و دارای چند تا ایزو چند هزار است. با او یک گفت و گو کرده ام به چه ماهی. تا نخوانی ندانی.

ابراهیم رها

● من یک تا سؤال چهار گزینه ای، مطابق مد روز، مطرح می کنم شما لطف کنید یکی را انتخاب کرده دلیل انتخابتان را هم بر ایمان بگویید.

امید نسل جوان ...

الف) سعید حجاریان ب) بلاژیچ ج) عمران صلاحی فکر می کنم بهتره بلاژیچ رو انتخاب کنه. اخیراً یک جا خواندم که آدامس جویده شده یک والیبالیست را ۲۰۰۰ دلار خریدند. عرق گیر و بقیه زوائد لباس ورزشکاران الان به قیمت گزاف می خرند. دلیل من هم این است!

● اینکه پشت کامیون می نویسند «آخ که چشمات منو کشته» یعنی چه؟

باید دید چه نوع چشمی هست. با دومیه، خیره است، چیه، نوع چشم خیلی مهمه. چشمی که خیلی ها را بکشد و در واقع وارد قتل های زنجیره ای شده است.

خب این چشم ها را می شود جلب کرد شاید منظور این چشم هاست.

● در همین راستا و ایضا راستاهای دیگر «آخرین نگاه تو اولین غم من است» در پشت وانت بارها چه معنایی دارد؟

این را می شود پشت رو هم کرد! این جور وانتی اگر چپ نکند خوب است. مخصوصاً اگر بار هندوانه داشته باشد.

● این پاسخ شما به «آسته برو دوچرخه چی که بار شیشه داری» مربوط نمی شود؟

یا همان آسته برو آسته بیا که گربه شاخه نزنه.

● علی دایی بهتر است یا میز تحریر

علی دایی اگر پشت میز تحریر بنشیند و چیز بنویسد بهتر است حالا چطور، دوست طنز پردازم احمد رضا احمدی می گفت ما این همه کتاب شعر در آوردیم کسی نخرد و نخواند حالا بهتر است از علی دایی تقاضا کنیم مقدمه ای بر کتاب هایمان بنویسد روی جلد هم بزنیم با مقدمه ای از علی دایی، حتماً فروش خواهد رفت!

● وضعیت کنونی ما چقدر طنز است؟

خیلی زیاد. همه چیز ضد و نقیض است. فیل و فنجان عکس یادگاری می گیرند دیگر.

● اگر زرافه و موش با هم ازدواج کنند بچه شان سوسیالیست می شود یا لیبرال؟